

بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی ایمن پسران نوجوان (۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله) به والدین و همسالان

محمد صالح نصرتی*، دکتر محمدعلی مظاهری**، محمود حیدری***

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی رابطه تحولی پایگاه‌های هویتی با میزان دلبستگی ایمن نوجوانان پسر سنین ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله شهرستان کامیاران به چهره‌های دلبستگی (پدر، مادر و همسالان) می‌پردازد. به این منظور از میان دانش‌آموزان پایه‌های سوم راهنمایی، دوم دبیرستان و دوره پیش‌دانشگاهی به صورت تصادفی چندمرحله‌ای ۳۱۲ نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه پایگاه هویتی من (EOM-EIS2) و پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA) است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد. نتایج نشان داد که تعامل سن و پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی ایمن به چهره‌های دلبستگی در ارتباط می‌باشد. در مجموع بیشترین و کمترین دلبستگی ایمن به چهره‌های دلبستگی در این تحقیق به ترتیب متعلق به پایگاه‌های پیش‌رس و سردرگم بود؛ نتایج نشان داد که در پایگاه هویت پیش‌رس، دلبستگی ایمن به والدین در سن ۱۸ سال کاهش پیدا می‌کند؛ در حالی که در پایگاه‌های هویتی مطلوب (در حال هویت‌یابی و موفق) حداقل ثابت می‌ماند. به طور کلی گروه هویت پیش‌رس با افزایش سن از غیرواقعی بودن هویت خود بیشتر آگاه شده و این موضوع زمینه کاهش دلبستگی ایمن آن‌ها را به والدین فراهم می‌سازد، در حالی که در رابطه با گروه هویت مطلوب چنین مطلبی صدق نمی‌کند. گروه سردرگم نیز الگویی نامنظم از دلبستگی ایمن به والدین در سنین مورد مطالعه را نشان می‌دهد. میزان دلبستگی ایمن به همسالان نیز در پایگاه‌های هویت پیش‌رس و مطلوب در سن ۱۸ سال به بیشترین حد خود می‌رسد. این موضوع اهمیت نقش همسالان را در سنین بالاتر نوجوانی و به خصوص در زمینه هویت‌یابی نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد اکتساب هویت چه از نوع مطلوب و چه پیش‌رس، شرایط برقراری روابط دلبستگی ایمن به همسالان را مهیا می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: پایگاه‌های هویت، دلبستگی، چهره دلبستگی، اعتماد، ارتباط، بیگانگی، نوجوان.

*کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

**دانشیار، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

***عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

ورود به دوره نوجوانی با تغییرات مهمی از جمله بلوغ جنسی، روابط صمیمانه با همسالان، ریسک کردن و توانایی‌های جدید شناختی همراه است. این تغییرات انبوه، نوجوان را وادار می‌سازد که به یگانگی و ثبات در تعریف خود بیندیشد و به دنبال آن باشد که هویت^۱ خود را مستقل از دیگران شکل دهد (بریگر، ۲۰۰۱).

اریک اریکسون (۱۹۸۲ به نقل از لاهی، ۲۰۰۱) «وحدت هویت»^۲ در برابر «سردرگمی در نقش»^۳ را تعارض دوره نوجوانی می‌داند. براساس این نظر، تضاد بین «وحدت هویت» و «سردرگمی در نقش» در دوره نوجوانی، بحران سن نوجوانی است. در بسیاری از نوجوانان عناصر هویت تثبیت می‌شود و آن‌ها به هویتی شخصی و شغلی دست پیدا می‌کنند، اما عدم توانایی در حل این تضاد، منجر به سردرگمی در نقش هویت برای فرد می‌شود.

به دنبال او مارسیا (۱۹۶۶) به طور تجربی این تعارض را با دقت تشریح و چهار جنبه یا راه‌حل (پایگاه‌های هویت)^۴ را بر اساس دو بعد جستجوگری^۵ و تعهد^۶ نسبت به نقش‌های اجتماعی توصیف نمود (دمبو، ۱۹۹۴؛ به نقل از آفاجانی، ۱۳۸۰). این چهار پایگاه شامل پایگاه هویت موفق^۷ (وجود جستجوگری و تعهد)، پایگاه در حال هویت‌یابی^۸ (وجود جستجوگری و نبود تعهد)، پایگاه هویت پیش‌رس^۹ (نبود تعهد و وجود جستجوگری) و پایگاه هویت سردرگم^{۱۰} (نبود جستجوگری و تعهد) می‌باشد (مارسیا، ۱۹۶۶).

اصولاً هویت موفق به‌عنوان شاخص برخورداری از شخصیت شکوفا و تحول یافتگی دارای بالاترین ارزش روان‌شناختی است و سردرگمی به‌عنوان عدم توفیق در انتقال از نوجوانی به بزرگسالی از کمترین ارزش روان‌شناختی برخوردار است؛ هویت پیش‌رس نسبت به سردرگمی از سطح تحول بالاتر و پایگاه در حال هویت‌یابی نیز در سطح بالاتری از هویت پیش‌رس قرار دارد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۷۹).

از طرفی نظریه دل‌بستگی^{۱۱} که توسط بالبی مطرح شد، دل‌بستگی را یک نیاز جهانی و متعلق به هر انسان می‌داند؛ هر کسی احتیاج دارد روابط صمیمانه‌ای با دیگران برقرار سازد (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹). در کودکی روابط دل‌بستگی تنها با مراقبان اولیه کودک شکل می‌گیرد اما از دوره نوجوانی به بعد روابط دل‌بستگی به همسالان و دیگر افراد گسترش می‌یابد (پارا و کیجا، ۲۰۰۲). دل‌بستگی ایمن به والدین و همسالان در نوجوانی و بزرگسالی پیامدهای مثبتی در زندگی فرد به ارمغان خواهد آورد. چنان‌که روابط دل‌بستگی ایمن با رضایت از زندگی، جستجوی حمایت اجتماعی از همسالان و سلامت روان‌شناختی همراه است. دل‌بستگی ایمن نوجوان نسبت به والدین یک عامل مؤثر در حل فعالانه مسائل می‌باشد و در افزایش عزت نفس نوجوانان مؤثر است. سازگاری با برنامه‌های تحصیلی

در دانشگاه و سازگاری هیجانی نیز با روابط دل‌بستگی ایمن والد و نوجوان در ارتباط است (سامولیس، لایبرن و اسکیا‌فینو، ۲۰۰۱). این روابط سبب می‌شود که فرد با احساس امنیت و آسایش در دنیای درون و بیرون خود به جستجو بپردازد (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹). افراد دارای دل‌بستگی نایمن در مقایسه با افراد ایمن از قدرت جستجوگری و جوارجویی کمتری برخوردارند. اختلال در رفتار جستجوگری، فرایند جسارت و انعطاف‌پذیری فرد را تحلیل می‌برد و فرصت‌های آزمونگری و تجربه‌آموزی را از او باز می‌ستاند (بشارت، شریفی و ایروانی، ۱۳۸۰). بنابراین عدم حضور والدین گرم و صمیمی با مشکلاتی در جستجوگری در سؤالات مربوط به هویت، تعهد و روابط با افراد همراه خواهد بود و بیشتر این افراد دارای هویت سردرگم خواهند بود (کارانزا و کیلمن، ۲۰۰۰).

در مقابل تشکیل هویت نیز در این دوره می‌تواند بر روابط دل‌بستگی فرد تأثیر بگذارد. چرا که در این سن نوجوان روابط اولیه خود را بازنگری می‌کند و به همین دلیل میزان دل‌بستگی ایمن او نسبت به دیگران به‌خصوص والدین تغییر می‌کند (زیمرمن و بیکراستول، ۲۰۰۲).

هم پایگاه‌های هویت و هم دل‌بستگی با افزایش سن افراد تغییر می‌یابند. افراد با افزایش سن از پایگاه‌های هویت نامطلوب (سردرگم و پیش‌رس) به پایگاه‌های هویتی مطلوب و پیشرفته (در حال هویت‌یابی و موفق) قدم می‌گذارند و معمولاً در اواخر نوجوانی است که افراد به هویت موفق دست پیدا می‌کنند (استیبرگ، ۱۹۹۹). میزان دل‌بستگی ایمن افراد نیز در نوجوانی به دلیل ظهور روابط دل‌بستگی جدید با همسالان و دیگر افراد دستخوش تغییر می‌شود (پارا و کیجا، ۲۰۰۲).

در تحقیقات متعددی رابطه بین دوسازه هویت و دل‌بستگی مورد مطالعه قرار گرفته است که نتایج آن‌ها با هم متفاوت است. در بعضی از این تحقیقات بین دل‌بستگی ایمن و پایگاه هویت موفق رابطه مثبت، بین دل‌بستگی ایمن و پایگاه هویت سردرگم رابطه منفی (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹ و زیمرمن و بیکراستول، ۲۰۰۲) و در تحقیقاتی دیگر بین دل‌بستگی ایمن و پایگاه هویت پیش‌رس رابطه مثبتی بدست آمده است (کامپل و همکاران، ۱۹۸۴ و اسکالتیس و بلوستین، ۱۹۹۴؛ به‌نقل از سامولیس و همکاران، ۲۰۰۱). در بعضی از تحقیقات نیز هیچ‌گونه رابطه‌ای بین این دوسازه بدست نیامده است (کوانیتانا و لاپسلی، ۱۹۸۷؛ کروگر و هاسلت، ۱۹۸۸ و فرانک و همکاران، ۱۹۹۰؛ به‌نقل از ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹).

با توجه به متفاوت بودن نتایج تحقیقات انجام شده در خارج از کشور و همچنین انجام نگرفتن چنین تحقیقی در داخل کشور، به‌نظر رسد که انجام چنین تحقیقی می‌تواند مفید باشد. در این تحقیق برخلاف تحقیقات انجام گرفته قبلی ارتباط بین این دوسازه به‌صورت تحولی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این تحقیق بر روی نوجوانان سه گروه سنی ۱۴، ۱۶ و ۱۸ سال انجام می‌شود. سؤال این است که آیا تعامل پایگاه‌های هویت و سن می‌تواند با میزان دل‌بستگی ایمن نوجوانان نسبت به والدین و

همسالان مرتبط باشد یا نه؟ این مطالعه با استفاده از روش علی - مقایسه‌ای در صدد پاسخ دادن به این سؤال می‌باشد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد نظر در این تحقیق تمامی دانش‌آموزان پسر ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله شهرستان کامیاران، در پایه‌های سوم راهنمایی، دوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در سال تحصیلی ۸۳ - ۱۳۸۲ در حال اشتغال به تحصیل هستند، شامل ۱۴۸۱ نفر، می‌باشد. به‌منظور نمونه‌گیری، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان تمام مدارس که پایه‌های مورد نظر را دارا بودند، ۴ مدرسه راهنمایی، ۴ دبیرستان و تنها مرکز پیش‌دانشگاهی شهرستان به‌طور تصادفی انتخاب شد. از میان کلاس‌های هر مدرسه نیز یک کلاس به‌صورت تصادفی ساده انتخاب و تمامی دانش‌آموزان این کلاس‌ها که در یکی از سه گروه سنی ۱۴، ۱۶ و ۱۸ سال قرار داشتند مورد آزمون قرار گرفتند. بدین ترتیب ۳۱۲ نفر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

آزمون عینی پایگاه هویت من (Eom - EIS2): به‌منظور تعیین پایگاه هویتی آزمودنی‌ها، از آزمون عینی پایگاه هویت من (Eom - EIS2) تهیه شده توسط بنیون و آدامز (۱۹۸۹) به‌نقل از ادبی، (۱۳۷۹) استفاده شد. این پرسشنامه ۶۴ سؤال دارد. برای هرکدام از زیر مقیاس‌های سردرگم، پیش‌رس، در حال هویت‌یابی و موفق ۱۶ سؤال مطرح شده است. آزمودنی‌ها در پاسخ به این سؤالات از یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرتی از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق استفاده می‌کنند. پایایی این آزمون از طریق آلفای کرونباخ که بر روی یک نمونه ۲۸ نفری مرکب از دانش‌آموزان سه پایه تحصیلی برآورد شد، برای پایگاه هویت موفق ۰/۸۱، در حال هویت‌یابی ۰/۶۵، هویت پیش‌رس ۰/۷۲ و هویت سردرگم ۰/۵۱ بدست آمد.

پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA): به‌منظور بررسی و ارزیابی کیفیت دلبستگی نوجوانان از پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA) استفاده شد. این آزمون توسط آرمسدن و گرینبرگ در سال ۱۹۸۷ تهیه شده است و دارای ۷۵ سؤال از نوع لیکرت می‌باشد که در سه گروه ۲۵ سؤالی میزان و کیفیت دلبستگی به پدر، مادر و همسالان را در سه بعد «اعتماد»، «ارتباط» و «بیگانگی» مورد ارزیابی و پرسش قرار می‌دهد (مظاهری، ۱۳۸۲).

در تحقیقات آرمسدن و گرینبرگ در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ بین نمره‌های دلبستگی به والدین و همسالان با عزت‌نفس، رضایت از زندگی و منبع کنترل بیرونی کمتر و ناامیدی کمتر، رابطه مثبت بدست آمد. کیفیت دلبستگی به والدین و تا حد کمتری به همسالان، با تمایل به استفاده از راهبردهای مقابله‌ای در شرایط تنیدگی‌زا ارتباط مثبت داشته است. پایایی این آزمون در روش آزمون مجدد در فاصله سه هفته که بر روی یک نمونه ۲۷ نفری از آزمودنی‌های ۲۰-۱۸ ساله انجام شد، برای دلبستگی به والدین ۰/۹۳ و برای دلبستگی به همسالان ۰/۸۶ بدست آمد (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). پایایی مربوط به این آزمون در تحقیق حاضر از طریق روش ثبات درونی برحسب ضریب آلفای کرونباخ که بر روی یک نمونه ۳۰ نفری از دانش‌آموزان سه پایه تحصیلی مورد مطالعه محاسبه شد، عبارت بود از: دلبستگی به مادر ۰/۸۲، دلبستگی به پدر ۰/۸۳ و دلبستگی به همسالان ۰/۹۲.

یافته‌ها

دانش‌آموزان گروه نمونه در سه گروه سنی ۱۳/۵-۱۴/۵، ۱۵/۵-۱۶/۵ و ۱۷/۵-۱۸/۵ سال طبقه‌بندی شدند که در جدول ۱ دیده می‌شود (برای رعایت اختصار سنین مورد نظر با سنین ۱۴، ۱۶ و ۱۸ سال نشان داده می‌شوند).

جدول ۱: چگونگی توزیع افراد نمونه در سنین مختلف

سن / پایه تحصیلی	۱۴	۱۶	۱۸	کل
سوم راهنمایی	۱۰۴	۱۵	۱	۱۲۰
دوم دبیرستان	۳	۸۷	۳	۹۳
پیش دانشگاهی	۰	۲	۹۷	۹۹
کل	۱۰۷	۱۰۴	۱۰۱	۳۱۲

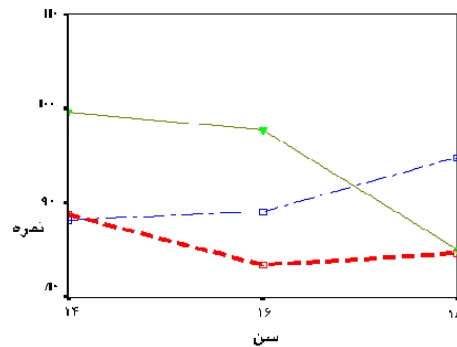
همان‌گونه که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، بدون تفکیک سن بیشترین و کمترین نمره در مقیاس‌های مطلوب (دل‌بستگی، اعتماد و ارتباط) نسبت به پدر و مادر به ترتیب متعلق به پایگاه هویت پیش‌رس و سردرگم می‌باشد. در مورد مقیاس نامطلوب بیگانگی این مسئله برعکس است. بیشترین و کمترین نمره در مقیاس‌های دل‌بستگی و اعتماد نسبت به همسالان به ترتیب متعلق به پایگاه هویت موفق و سردرگم می‌باشد. در مورد مقیاس نامطلوب بیگانگی این مسئله برعکس است. بیشترین و کمترین میزان ارتباط با همسالان به ترتیب متعلق به گروه‌های موفق و در حال هویت‌یابی می‌باشد. در این جدول بیشترین و کمترین نمرات در مقیاس‌های دل‌بستگی، و ارتباط با مادر به ترتیب در ۱۸ ساله‌های موفق و ۱۶ ساله‌های سردرگم حاصل شده است. اعتماد به مادر در ۱۴ ساله‌های موفق، بیشترین و در ۱۶ ساله‌های سردرگم کمترین است اما میزان بیگانگی با مادر عکس این قضیه است. ۱۶ ساله‌های در حال هویت‌یابی دارای بیشترین دل‌بستگی ایمن به پدر و ۱۶ ساله‌های پیش‌رس دارای بیشترین اعتماد و ارتباط با پدر و کمترین بیگانگی با او هستند. ۱۸ ساله‌های سردرگم در تمامی مقیاس‌های مطلوب نسبت به پدر کمترین نمره و در بیگانگی با پدر بیشترین نمره را کسب نموده‌اند. بیشترین نمرات در مقیاس‌های مطلوب نسبت به همسالان از آن ۱۶ ساله‌های موفق و کمترین آن‌ها مربوط به ۱۴ ساله‌های در حال هویت‌یابی است. میزان بیگانگی نسبت به همسالان در ۱۴ ساله‌های سردرگم بیشترین و در ۱۶ ساله‌های موفق کمترین است. در این تحقیق به دلیل کم تعداد بودن افراد واقع در پایگاه هویت موفق و برای دقت بیشتر در محاسبات آماری، این پایگاه با پایگاه در حال هویت‌یابی ادغام شده و جمعاً پایگاه هویت مطلوب نام گرفته است.

جدول ۴: نتایج تحلیل و اریانس دو راهه نمرات دل‌بستگی به مادر و

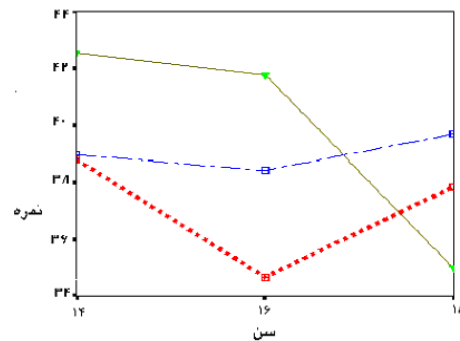
زیرمقیاس‌های آن براساس سن و پایگاه هویت در گروه نمونه

مقیاس	شاخص	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
دل‌بستگی	پایگاه هویت	۲	۲۵۱۷/۹۶	۱۲۵۸/۹۸	۷/۸۷	۰/۰۰۱
	سن	۲	۵۹۲/۵۸	۲۹۶/۲۹	۱/۸۵	۰/۱۵
اعتماد	سن × پایگاه هویت	۴	۳۲۱۱/۱۲	۸۰۲/۷۸	۵/۰۲	۰/۰۰۱
	پایگاه هویت	۲	۲۶۳/۰۳	۱۳۱/۵۱	۳/۷۷	۰/۰۲۴
	سن	۲	۲۸۵/۱۷	۱۴۲/۵۸	۴/۰۹	۰/۰۱۸
	سن × پایگاه هویت	۴	۶۳۶/۷	۱۵۹/۱۷	۴/۵۶	۰/۰۰۱
ارتباط	پایگاه هویت	۲	۱۵۱۰/۶	۷۵۵/۳	۲۳/۱۸	۰/۰۰۱
	سن	۲	۴۹	۲۴/۵	۰/۷۵	۰/۴۷
	سن × پایگاه هویت	۴	۶۸۱/۷۶	۱۷۰/۴۴	۵/۲۳	۰/۰۰۱
	پایگاه هویت	۲	۱۳۴/۴۳	۶۷/۲۱	۴/۳۶	۰/۰۱۴
بیگانگی	سن	۲	۲۰/۸۸	۱۰/۴۴	۰/۶۷	۰/۵۱
	سن × پایگاه هویت	۴	۱۱۵/۰۹	۲۸/۷۷	۱/۸۶	۰/۱۱

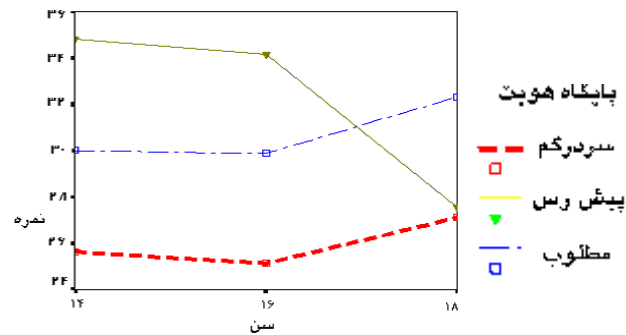
نتایج تحلیل واریانس دو راهه در ارتباط با مادر نشان می‌دهد که میزان دل‌بستگی ایمن، اعتماد، ارتباط و بیگانگی با مادر در پایگاه‌های هویت به‌صورت معناداری تفاوت دارد. اما این مقیاس‌ها در سنین مختلف در سطح معناداری با هم تفاوت ندارند. تعامل سن و پایگاه‌های هویت با مقیاس‌های ذکر شده به‌طور معناداری مرتبط می‌باشند (جدول ۴). این ارتباط تعاملی در نمودارهای شماره ۱ تا ۴ نشان داده شده است.



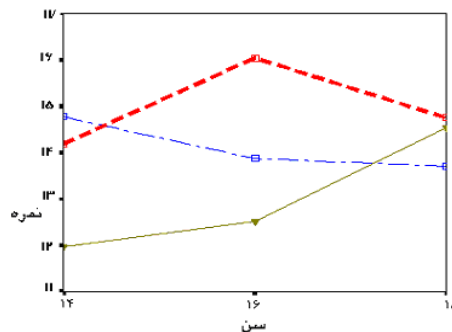
نمودار ۱: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات دل‌بستگی به مادر



نمودار ۲: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات اعتماد به مادر



نمودار ۳: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات ارتباط با مادر



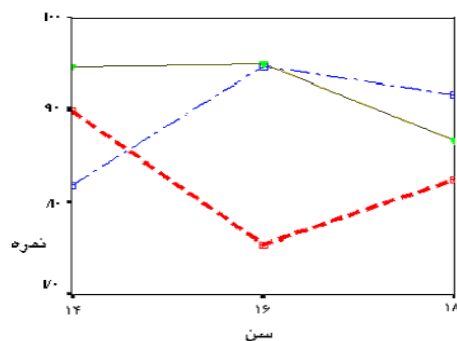
نمودار ۴: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات بیگانگی با مادر

نمودارهای ۱ تا ۴ نشان می‌دهد که در پایگاه هویت پیش‌رس، افزایش سن در جهت کاهش مقیاس‌های مطلوب (دلبستگی، اعتماد و ارتباط) و افزایش بیگانگی نسبت به مادر می‌باشد. مقیاس‌های مطلوب در پایگاه‌های هویتی مطلوب در سن ۱۶ سالگی کمی افت نموده و در ۱۸ سالگی مجدداً افزایش می‌یابد؛ مقیاس بیگانگی نیز سیر نزولی دارد. در پایگاه هویت سردرگم از میزان مقیاس‌های مطلوب در ۱۸ سالگی کاهش می‌یابد، هر چند این کاهش در ۱۶ سالگی بیشتر است. بیگانگی به مادر نیز در ۱۶ سالگی افزایش و سپس مقداری کاهش می‌یابد.

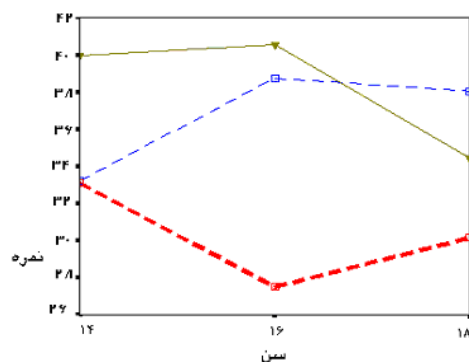
جدول ۵: نتایج تحلیل و اریانس دو راهه نمرات دلبستگی به پدر و زیرمقیاس‌های آن براساس سن و پایگاه هویت در گروه نمونه

مقیاس	شاخص / منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
دلبستگی	پایگاه هویت	۲	۳۱۶۷/۴۳	۱۵۸۳/۷۱	۶/۶۹	۰/۰۰۱
	سن	۲	۱۲۹/۴	۶۴/۷	۰/۲۷	۰/۷۶
	سن × پایگاه هویت	۴	۵۵۷۷/۳۱	۱۳۹۴/۳۳	۵/۸۹	۰/۰۰۱
اعتماد	پایگاه هویت	۲	۲۴۸۱/۹۴	۱۲۴۰/۹۷	۲۱/۲۸	۰/۰۰۱
	سن	۲	۷۴/۳۳	۳۷/۱۷	۰/۶۳	۰/۵۲
	سن × پایگاه هویت	۴	۱۲۰۶/۷۷	۳۰۱/۶۹	۵/۱۷	۰/۰۰۱
ارتباط	پایگاه هویت	۲	۹۲۰/۸۵	۴۶۰/۴۳	۱۱/۱۳	۰/۰۰۱
	سن	۲	۱۷/۲	۸/۶	۰/۲	۰/۸۱
	سن × پایگاه هویت	۴	۲۶۳/۴۵	۶۵/۸۶	۱/۵۹	۰/۱۷
بیگانگی	پایگاه هویت	۲	۷۴۸/۹۲	۳۷۴/۴۶	۲۴/۷۶	۰/۰۰۱
	سن	۲	۷۹/۰۵	۳۹/۵۲	۲/۶۱	۰/۷۵
	سن × پایگاه هویت	۴	۲۹۳/۱۲	۷۳/۲۸	۴/۸۴	۰/۰۰۱

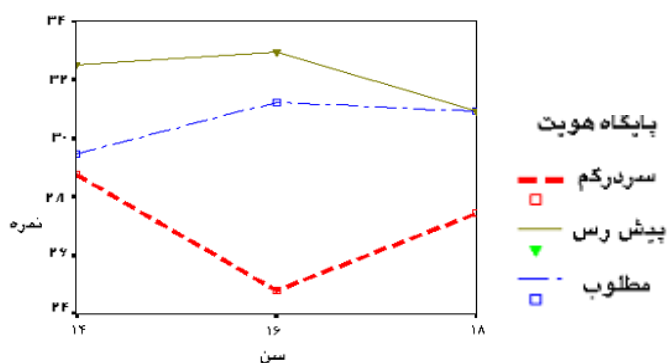
نتایج تحلیل واریانس دو راهه در ارتباط با پدر نشان می‌دهد که میزان دلبستگی ایمن، اعتماد، ارتباط و بیگانگی با پدر در پایگاه‌های هویت در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تفاوت دارد. اما این مقیاس‌ها در سنین مختلف در سطح معناداری با هم تفاوت ندارند. تعامل سن و پایگاه‌های هویت با مقیاس‌های ذکر شده به‌طور معناداری مرتبط می‌باشند (جدول ۵). این ارتباط تعاملی در نمودارهای شماره ۵ تا ۸ نشان داده شده است.



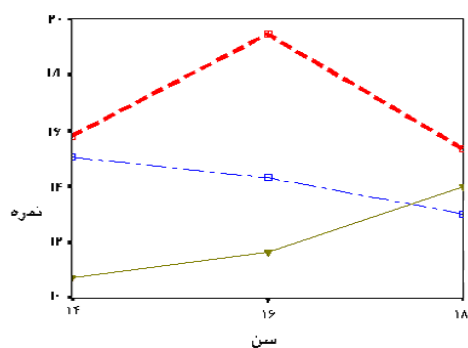
نمودار ۵: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات دلبستگی به پدر



نمودار ۶: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات اعتماد به پدر



نمودار ۷: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات ارتباط با پدر



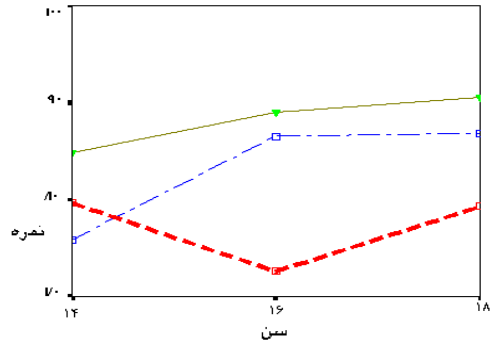
نمودار ۸: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات بیگانگی با پدر

نمودارهای ۵ تا ۸ نشان می‌دهد که در پایگاه هویت پیش‌رس، تقریباً افزایش سن در جهت کاهش مقیاس‌های مطلوب و افزایش بیگانگی نسبت به پدر می‌باشد. افزایش مقیاس‌های مطلوب در پایگاه‌های هویتی مطلوب با افزایش سن همراه است و بین ۱۶ و ۱۸ سالگی تفاوت چندانی دیده نمی‌شود؛ در این پایگاه مقیاس بیگانگی نیز سیر نزولی دارد. در پایگاه هویت سردرگم از میزان مقیاس‌های مطلوب در ۱۸ سالگی کاهش می‌یابد، هر چند این کاهش در ۱۶ سالگی بیشتر است. بیگانگی به مادر نیز در ۱۶ سالگی افزایش و سپس مقداری کاهش می‌یابد.

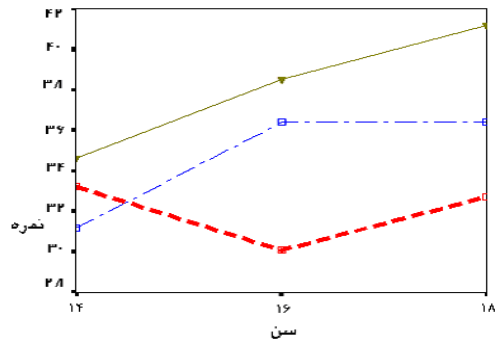
جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس دو راهه نمرات دلبستگی به همسالان و زیرمقیاس‌های آن براساس سن و پایگاه هویت در گروه نمونه

مقیاس	شاخص / منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
دلبستگی	پایگاه هویت	۲	۴۱۷۸/۸۲	۲۰۸۹/۴۱	۱۱/۳۳	۰/۰۰۱
	سن	۲	۱۱۰۳/۷۷	۵۵۱/۸۸	۲/۹۹	۰/۰۰۵
	سن × پایگاه هویت	۴	۲۲۷۷/۳۲	۵۶۹/۳۳	۳/۰۸	۰/۰۱۶
اعتماد	پایگاه هویت	۲	۱۲۸۸/۷۱	۶۴۴/۳۵	۱۲/۸۹	۰/۰۰۱
	سن	۲	۵۴۰/۳۷	۲۷۰/۱۸	۵/۴	۰/۰۰۵
	سن × پایگاه هویت	۴	۶۵۳/۸۶	۱۶۳/۴۶	۳/۲۷	۰/۰۱۲
ارتباط	پایگاه هویت	۲	۷۸۰/۳۸	۳۹۰/۱۹	۱۱/۴۳	۰/۰۰۱
	سن	۲	۲۴۶/۷۲	۱۲۳/۳۶	۳/۶۱	۰/۰۲۸
	سن × پایگاه هویت	۴	۶۱۷/۹۷	۱۵۴/۴۹	۴/۵۲	۰/۰۰۱
بیگانگی	پایگاه هویت	۲	۹۱۰/۲۲	۴۵۵/۱۱	۲۹/۰۱	۰/۰۰۱
	سن	۲	۹۱/۳۸	۴۵/۶۹	۲/۹۱	۰/۰۵۶
	سن × پایگاه هویت	۴	۲۲۸/۰۶	۵۷/۰۱	۳/۶۳	۰/۰۰۷

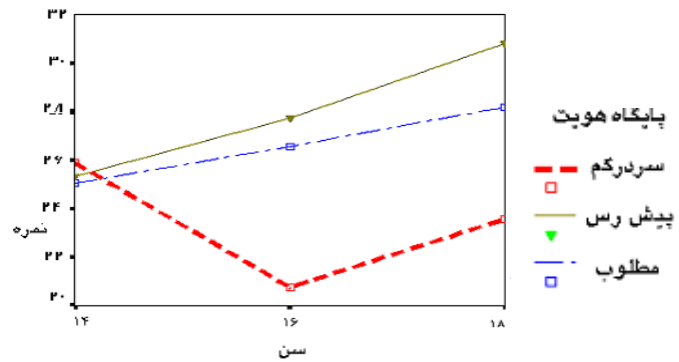
نتایج تحلیل واریانس دو راهه در ارتباط با همسالان نشان می‌دهد که میزان ایمنی دلبستگی، اعتماد، ارتباط و بیگانگی با همسالان در پایگاه‌های هویت به‌صورت معناداری تفاوت دارد. هم‌چنین در سنین مختلف میزان دلبستگی و اعتماد با همسالان در سطح معناداری با هم تفاوت دارد. تعامل سن و پایگاه‌های هویت با مقیاس‌های ذکر شده به‌طور معناداری مرتبط می‌باشند (جدول ۶). این ارتباط تعاملی در نمودارهای شماره ۹ تا ۱۲ نشان داده شده است.



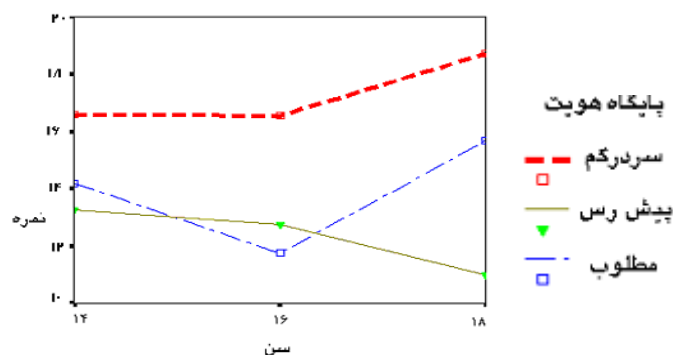
نمودار ۹: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات دل‌بستگی به همسالان



نمودار ۱۰: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات اعتماد به همسالان



نمودار ۱۱: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات ارتباط با همسالان



نمودار ۱۲: ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با نمرات بیگانگی با مادر

نمودارهای ۹ تا ۱۲ نشان می‌دهند که در پایگاه هویت پیش‌رس، افزایش سن در جهت افزایش مقیاس‌های مطلوب و کاهش بیگانگی نسبت به همسالان می‌باشد. مقیاس‌های مطلوب در پایگاه‌های هویتی مطلوب نیز در جهت افزایش سن می‌باشند؛ اما مقیاس بیگانگی در ۱۶ سالگی کاهش و در ۱۸ سالگی به بیشترین حد خود می‌رسد. در پایگاه هویت سردرگم از میزان مقیاس‌های مطلوب در ۱۸ سالگی کاهش می‌یابد، هرچند این کاهش در ۱۶ سالگی بیشتر است. در این پایگاه بیگانگی به همسالان در ۱۸ سالگی بیشترین افزایش را می‌یابد.

بحث

بررسی ارتباط تعاملی سن و پایگاه‌های هویتی با میزان دل‌بستگی ایمن به پدر، مادر و همسالان در نوجوانان سنین ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله موضوع این تحقیق بود. نتایج نشان داد که عامل سن به تنهایی با میزان دل‌بستگی و زیرمقیاس‌های آن (اعتماد، ارتباط و بیگانگی) با والدین ارتباطی ندارد؛ اما پایگاه‌های هویت و تعامل سن و پایگاه‌های هویت با مقیاس‌های ذکر شده در ارتباط می‌باشند. نبود ارتباط بین سن و میزان ایمنی دل‌بستگی به والدین این موضوع را نشان می‌دهد که والدین در هر سنی برای نوجوان به‌عنوان یک پایگاه ایمن مورد نیاز هستند و اصولاً در هر سنی دانستن این‌که شخصی وجود دارد که ما را در ذهن داشته باشد و نگران ما باشد به‌عنوان یک پایگاه ایمنی‌بخش عمل می‌کند (بینگ‌هال، ۱۹۹۵؛ به‌نقل از مظاهری، ۱۳۷۹). در این تحقیق بیشترین ایمنی در روابط دل‌بستگی به والدین از آن پایگاه هویت پیش‌رس می‌باشد که با اعتماد و ارتباط بیشتر با والدین و بیگانگی کمتر نسبت به آن‌ها خود را نشان می‌دهد. کروگر (۱۹۹۶) و استیبرگ (۱۹۹۹)

اظهار می‌دارند که این افراد بیشترین صمیمیت را در روابط با والدین دارند؛ در تحقیق کنونی این ایده تأیید شد. نتایج این تحقیق در این زمینه نیز با نتایج تحقیق اسکالتیس و بلوستین (۱۹۹۴) به‌نقل از سامولیس و همکاران، (۲۰۰۱) که بین میزان دل‌بستگی ایمن به والدین و هویت پیش‌رس رابطه مثبت معنی‌داری یافتند، هماهنگ است. همان‌گونه که در این تحقیق نشان داده شد میزان دل‌بستگی ایمن، اعتماد و ارتباط با والدین تقریباً در سنین ۱۴ و ۱۶ سالگی بیشترین میزان می‌باشد اما در سن ۱۸ سالگی این پایگاه در مقیاس‌های مذکور افت قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند. پس می‌توان گفت که تعامل سن و پایگاه هویت در سن ۱۴ و ۱۶ سال نسبت به سن ۱۸ سال با دل‌بستگی بیشتری با والدین همراه است (اسکالتیس و بلوستین ۱۹۹۴ به‌نقل از سامولیس و همکاران، ۲۰۰۱). آن‌ها در تحقیق خود نتیجه‌گیری می‌کنند، روابط عاطفی با والدین در افراد پیش‌رس برای دفاع از ارزش‌های رایج در خانواده است. این روابط بر سر راه جستجوگری و اکتشاف فرد موانعی را ایجاد کرده، سبب می‌شود فرد زودتر به تعهد برسد و به ارزش‌ها و عقاید و شیوه‌هایی که والدین او پذیرفته‌اند، متعهد شود. این افراد ممکن است بعداً علیه تلقین والدین خود طغیان کنند و بر روی یافته‌های خودشان در زندگی تأکید کنند (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹). این حالت بیشتر زمانی رخ می‌دهد که وارد پایگاه درحال هویت‌یابی شوند. این افراد زمانی که با چالش‌های زندگی مواجه می‌شوند، می‌فهمند که تعهدات خود را با عجله شکل داده‌اند و می‌پذیرند که باید با دقت بیشتری در مورد خودشان فکر کنند؛ همین امر سبب می‌شود که از دل‌بستگی ایمن، اعتماد و ارتباط آن‌ها نسبت به والدین کاسته شود، در عوض احساس خشم و عصبانیت و بیگانگی بیشتری نسبت به آن‌ها پیدا می‌کنند. به اعتقاد بنسون و همکاران (۱۹۹۲ به‌نقل از ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹) این افراد با افزایش سن، بیشتر می‌فهمند که اعتقادات و ارزش‌های خود را زود شکل داده‌اند و در واقع این اعتقادات حاصل تلقین والدین است؛ بنابراین به ناچار در مورد سؤالات هویتی خود بیشتر به جستجوگری می‌پردازند و تحت تأثیر این کنکاش و جستجوگری، ایمنی دل‌بستگی، اعتماد، ارتباط و بیگانگی آن‌ها به والدین تعدیل می‌شود.

در این تحقیق بیشترین نایمینی در روابط دل‌بستگی، اعتماد و ارتباط با والدین در سه گروه سنی متعلق به پایگاه هویت سردرگم می‌باشد؛ این نتیجه با اعتقاد مارسیا (۱۹۸۹) و کامپل و همکاران (۱۹۸۴)، به‌نقل از ماتوس و همکاران، (۱۹۹۹) و با تحقیقات ماتوس و همکاران (۱۹۹۹) و زیمرمن و بیکراستول (۲۰۰۲) همخوانی دارد. افراد واقع در پایگاه هویت سردرگم به دلیل عدم امنیت در روابط خود با والدین و به تبع آن نداشتن جستجوگری در حوزه‌های مربوط به هویت و نداشتن یک ادراک جامع از خود در این پایگاه جای می‌گیرند. این افراد به دلیل نداشتن تعهد در زمینه‌هایی چون شغل، ایدئولوژی، مذهب و غیره و تأکید بر زندگی لحظه‌ای و نسبی‌گرایی (اسپرنیتال و

اسپرینتال، ۱۹۹۴) بیشترین سطح مشکلات روان‌شناختی و بین فردی را نشان می‌دهند و این موارد سبب می‌شود که آن‌ها با والدین و دیگر افراد کمتر صمیمی بشوند (استیبرگ، ۱۹۹۹). در این گروه افراد ۱۶ ساله دارای کمترین میزان دل‌بستگی ایمن، اعتماد و ارتباط و بیشترین بیگانگی با والدین می‌باشند. اما ۱۴ ساله‌های سردرگم در مقیاس‌های مطلوب نمره بیشترین و در بیگانگی با والدین کمترین نمره را دارند و افراد ۱۸ سال مابین این دو گروه هستند. این بی‌نظمی‌های موجود در پایگاه هویت سردرگم شبیه به بی‌نظمی‌های فکری و روانی آن‌هاست که احتمالاً سبب شده که جهت سن در جهت کاهش یا افزایش مقیاس‌ها نباشد.

از نظر میزان دل‌بستگی ایمن و زیرمقیاس‌های آن پایگاه هویت مطلوب در مابین دو پایگاه سردرگم و پیش‌رس قرار دارد. پایین بودن میزان دل‌بستگی ایمن به والدین در پایگاه‌های مطلوب در مقایسه با پایگاه هویت پیش‌رس به دلیل تفاوت‌های شناختی در افراد واقع در پایگاه‌های هویت در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفت. ویس (۱۹۸۴) به نقل از آقاجانی، (۱۳۸۰) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که آزمودنی‌های با پایگاه هویت موفق و در حال هویت‌یابی نمره بالاتری در رشد شناختی نسبت به دو پایگاه دیگر کسب می‌کنند؛ بنابراین افراد واقع در پایگاه موفق و در حال هویت‌یابی به دلیل توانایی‌های شناختی بیشتر، احتمالاً به میزان بیشتری با اعتقادات و افکار والدین درگیر می‌شوند. همچنین کوانتینا و لاپسلی (۱۹۹۰) به نقل از ماتوس و همکاران، (۱۹۹۹) اظهار می‌دارند: متغیر دل‌بستگی نمی‌تواند به تنهایی با پایگاه‌های هویت در ارتباط باشد. همان‌گونه که کامپل و همکاران (۱۹۸۴) به نقل از ماتوس و همکاران، (۱۹۹۹) نشان دادند، ترکیبی از دل‌بستگی ایمن به والدین و تشویق آن‌ها برای استقلال و فردیت می‌تواند با پایگاه‌های در حال هویت‌یابی و موفق در ارتباط باشد. در این پایگاه افزایش سن تقریباً در جهت افزایش دل‌بستگی، اعتماد و ارتباط و کاهش بیگانگی با والدین است. در این گروه با افزایش سن افزایش تقریباً منظمی در مقیاس‌های مطلوب و کاهش در بیگانگی با والدین به چشم می‌خورد.

در مقایسه پایگاه‌های مطلوب و پیش‌رس در این تحقیق می‌توان گفت، به دلیل این که هویت پیش‌رس دارای عناصری چون وابستگی شدید و سطوح بالایی از اضطراب جدایی از والدین می‌باشد، بنابراین مورد انتظار بود که در این گروه دل‌بستگی ایمن زیادی به والدین ملاحظه شود، اما افراد واقع در پایگاه هویت پیش‌رس در سنین بالا نمی‌توانند نسبت به سؤال‌های مربوط به هویت بی‌توجه باشند و هر آن‌چه را مراجع قدرت دیکته کرده باشند بپذیرند؛ بنابراین از میزان دل‌بستگی ایمن آن‌ها به والدین کاسته می‌شود. اما افراد واقع در پایگاه‌های مطلوب که هویت خود را با موفقیت شکل داده‌اند؛ به دلیل آگاهی داشتن از هر آن‌چه که پذیرفته‌اند نه تنها از میزان ایمنی دل‌بستگی، اعتماد و ارتباط آن‌ها به والدین کاسته نشده است، بلکه در این گروه تقریباً افزایش سن در جهت افزایش میزان ایمنی دل‌بستگی، اعتماد و ارتباط و کاهش بیگانگی با والدین می‌باشد.

در این تحقیق، افزایش سن در جهت افزایش دل‌بستگی و اعتماد به همسالان بود. این مطلب بیانگر آن است که با افزایش سن، نوجوانان بیشتر متوجه همسالان و دوستان خود می‌شوند و به دلیل این روابط جدید بین آن‌ها روابط دل‌بستگی ایجاد می‌شود، چرا که نوجوانان اشتراکات بیشتری را با هم دارند و به خصوص این‌که دوستان آن‌ها هم در زمینه هویت با مسائلی درگیر هستند و این عوامل خود سبب درک بهتر آن‌ها از هم می‌شود (پارا و کیجا، ۲۰۰۲). اما از نظر میزان ارتباط و بیگانگی با همسالان در سنین مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد.

بیشترین میزان ایمنی دل‌بستگی به همسالان نیز همانند والدین در پایگاه هویت پیش‌رس و سپس پایگاه‌های هویتی مطلوب بدست آمده است و پایین‌ترین آن به پایگاه هویت سردرگم مربوط می‌باشد. هویت موفق به تنهایی دارای بیشترین میزان ایمنی دل‌بستگی به همسالان می‌باشد و بعد از آن پایگاه هویت پیش‌رس بیشترین ایمنی دل‌بستگی را نسبت به همسالان نشان می‌دهد. پایین بودن ایمنی دل‌بستگی به همسالان در پایگاه هویت سردرگم در تأیید فرضیه استیبرگ (۱۹۹۹) می‌باشد. او معتقد است که این افراد کمترین احساس صمیمیت را با دوستان خود دارند. استیبرگ (۱۹۹۹) اظهار می‌دارد، همسالان نقش عمده‌ای را در رشد روان‌شناختی نوجوانان بازی می‌کنند. در حوزه هویت نیز نوجوانان الگوهایی متنوع را از همسالان دریافت می‌دارند و از آن‌ها بازخوردهایی می‌گیرند که نمی‌توانند از والدینشان بگیرند. روابط پخته‌تر با همسالان سبب استقلال بیشتر از والدین می‌شود. بنابراین هر نوجوانی که به هویت می‌رسد خواه این هویت یک هویت واقعی (موفق) باشد، خواه هویت کاذب (پیش‌رس)، دوستان و ارتباط با آن‌ها می‌تواند صمیمی و عاطفی باشد. اما به نظر می‌رسد که انتخاب دوستان تحت تأثیر پایگاه هویتی آن‌ها باشد.

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در سن ۱۴ سالگی در دل‌بستگی ایمن به همسالان تقریباً تفاوت اندکی بین پایگاه‌های هویت وجود دارد ولی در سنین بالاتر تفاوت‌ها تشدید می‌شود. در تمامی سنین پایگاه هویت سردرگم کمترین نمره را در میزان دل‌بستگی ایمن به همسالان دارد. در سن ۱۸ سالگی بالاترین نمره مطلوب در پایگاه هویت پیش‌رس بدست آمده است و پایگاه‌های مطلوب در بین این دو قرار دارد. در حالی که در میزان دل‌بستگی ایمن به همسالان در پایگاه‌های مطلوب و پیش‌رس از ۱۴ به ۱۶ سالگی شاهد افزایش آن هستیم؛ در پایگاه سردرگم افت نمرات به چشم می‌خورد. هم‌چنین از ۱۴ به ۱۸ سالگی شاهد افزایش کمی در نمرات پایگاه‌های مطلوب و پیش‌رس هستیم و در پایگاه سردرگم این نمرات کمتر تغییر کرده است. احتمالاً دلیل چنین امری این است که در پایگاه‌های مطلوب و پیش‌رس در سنین ۱۴ و ۱۶ سالگی، هنوز همسالان نقش جدی را در هویت ایفا نموده‌اند. اما با افزایش سن نقش همسالان نیز در یاری به تشکیل هویت بیشتر می‌شود و گروه سردرگم هم‌چنان در برقراری ارتباط و اعتماد و در نتیجه دل‌بستگی به همسالان مشکل دارند.

یادداشت‌ها

- | | |
|-------------------------|---|
| 1. Identity | 11. Attachment |
| 2. Identity cohesion | 12. Extended objective measure of ego identity status 2 |
| 3. Identity diffusion | 13. Inventory of parents and peer attachment |
| 4. Identity status | 14. Trust |
| 5. Exploration | 15. Communication |
| 6. Commitment | 16. Alienation |
| 7. Achievement Identity | |
| 8. Moratorium Identity | |
| 9. Foreclosure Identity | |
| 10. Diffusion Identity | |

منابع

- آفاجانی حسین‌آبادی، محمدحسن (۱۳۸۰). *هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه سبک هویت برای دانشجویان دانشگاه‌های تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- ادبی، راضیه (۱۳۷۹). *بررسی رابطه پایگاه هویت و سلامت روانی در اوایل و اواسط نوجوانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- بشارت، محمدعلی؛ شریفی، ماندانا و ایروانی، محمد (۱۳۸۰). *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی*، مجله روان‌شناسی، شماره ۱۹، ص ۲۷۷-۲۹۰.
- مظاهری، محمدعلی (۱۳۷۹). *نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج*، مجله روان‌شناسی، شماره ۱۵، ص ۲۸۶-۳۱۸.
- رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۷۹). *بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان کارشناسی*، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۲). *دستورالعمل نمره‌گذاری پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA)*، آزمایشگاه روان‌شناسی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- Armsden, G. & Greenberg, M. T. Inventory of parent and peer attachment (IPPA), Unpublished.
- Berger, K. S. (2001). *The Developing person through the lifespan*. New York: worth publishers.
- Carranza, L. V. & Kilman, p. (2000). *Links between perceived parent*.
- Kroger, J. (1996). *Identity in adolescence: The Balance between self and other*. London: Routledge.
- Lahey, B. B. (2001). *Psychology an introduction*. New York: McGraw- Hill.
- Marcia, J. E. (1966). *Development and validation of ego - identity status*, Journal of Personality and Social Psychology. 3, 551 - 558.
- Marcia, J. E. (1989). *Identity and intervention*, Journal of Adolescence. 12, 401 - 410.
- Matos, P. M; Barabosa, S; Dealmeda, H. M. & Costa, M. E. (1999). *Parental attachment and identity in portugues late adolescents*, Journal of Adolescence. 22, 805 - 818.
- parra, A. Y. & Queija, I. (2002). *Parents and peers influences on emotional adjustment during adolescence*. VIII Ear a conference oxford.

- Sperintall, N. A. & Sperintall, R. C. (1994). Educational psychology: Development approach. Tird edition
- Steiberg ,L. (1999). Adolescence. New York: McGrow – Hill.
- Samulis, J; Layburn. K. & Schiaffino, K. M. (2001). Identity development and attachment to parents in college students, Journal of Youth and Adolescence. 30, 373- 384.
- Zimmerman, P.& Becker–Stoll, F. (2002). Stability of attachment representation of ego – identity status, Journal of Adolescence. 25, 107 - 124.